

هوڤت

آواڳلار



ابولقاسم غلامی مایانی

آواڳلار

کتابخانه ملی افغانستان
کتابخانه ملی افغانستان
کتابخانه ملی افغانستان

آواکلار



به نام جمیل جمال آفرین

جوهر طنز

تحقیق و تالیف :

ابوالقاسم غلامی مایانی

آواز گلزار

سرشناسه	: غلامی مایانی، ابوالقاسم، ۱۳۲۷-
عنوان و نام پدید آور	: جوهر طنز/ ابوالقاسم غلامی مایانی.
مشخصات نشر	: تهران، آوای کلار، ۱۳۸۸.
مشخصات ظاهری	: ۱۵۰ ص: مصور.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۵۳۹۵-۴۰-۲
وضعیت فهرست نویسی	: فیفا
موضوع	: طنز -- تاریخ و نقد
موضوع	: طنز فارسی -- اصطلاح‌ها و تعبیرها
موضوع	: شعر طنزآمیز
موضوع	: کاریکاتورها و کارتون‌ها
رده بندی کنگره	: PN۶۱۴۹ ۱۳۸۸ ۱۲ غ ۹ ط ۱
رده بندی دیویی	: ۷/۸۰۹
شماره کتابشناسی ملی	: ۶۲۴۱۵۲۱

آوای کلار

ابوالقاسم غلامی مایانی

ناشر ■	: آوای کلار
ویراستار ■	: فاطمه منشی پور
بازبینی ■	: استادان: سیدمحمود محمدی، یعقوبعلی منصوری فرد، نورالله نریمانی
طراح جلد ■	: میثم سیفاللهی
تهیه‌ی عکس ■	: حمید عظیم خانی
حروفچینی ■	: حسن منشی پور
صفحه آرایی و تنظیم ■	: مژگان اعتصامی
نوبت چاپ ■	: نخست ۱۳۹۴
لیتوگرافی، چاپ ■	: کانون آگهی و تبلیغات آوای کلار
شمارگان ■	: ۱۲۰۰
بها ■	: ۷۵۰۰

تمام حقوق این اثر برای ناشر و مؤلف محفوظ است.

تهران- انتشارات آوای کلار- ص. پ: ۶۵۵-۱۹۵۸۵

تلفکس: ۲۲۵۸۹۲۳۴

www.avayekelar.ir

بخش www.danielpress.net

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۷.....	پیش‌گفتار
	فصل اول
۱۵.....	مروری به تاریخچه طنز و طنزپردازی
	فصل دوم
۲۵.....	طنز در قرآن کریم
۲۶.....	مفهوم طنز، اقسام طنز، طنز تفسیری
۲۸.....	طنز تفسیری، طنز تمثیلی
۲۹.....	ویژگی طنز قرآنی
۳۰.....	نمونه‌های قرآنی
۳۵.....	نتیجه
۳۶.....	چرا مردم طنز را دوست دارند

فصل سوم

- چرا طنز پردازی ۷
- طنز و گله مندی از جاهلان عالم نما (شعر) ۳۹
- رسالت طنز ۴۲

فصل چهارم

- واژه‌های قریب المعانی با طنز ۴۳
- ایهام ۴۴
- استهزاء ، اشاره ، اغراق ۴۵
- انتقاد ۴۶
- ایهام ۴۷
- بذله ، پرت ، تحقیر ۴۸
- تَمَسْخُر ، تشبیه ۴۹
- تمثیل ، توضیح واضحات ۵۱
- توهین ، تهنک ، جُک ۵۲
- جناس ۵۵
- حاضر جوابی ۵۶
- حکایات طنز ۵۷
- حکمت ۶۰
- دو پهلوی سخن گفتن ۶۱
- ذَمّ و ذَمّ تشبیه به مدح ۶۳

۶۴	رکاکت، ژاژ، سخره و سخریه، شعر طنز
۶۵	شوخی، شوخی‌های شاعرانه
۶۸	شوخی با شاعران
۷۲	شوخی‌های شاهانه
۷۵	شوخی‌های عارفانه
۷۶	صراحت
۷۷	ضد حال
۷۹	ضد و نقیض
۸۲	ضرب المثل‌های طنز گونه
۸۳	طعن
۸۴	طنز چیست؟
۸۹	غُر وُند
۹۰	غلو، فایده
۹۱	فکاهی
۹۴	قبح
۹۵	قصار
۹۶	قیل و قال، کاریکاتور، کاریکلماتور
۹۷	کنایه، گستاخی
۹۸	لطیفه
۱۰۰	لَغَز، لغو
۱۰۲	لودگی، لُهو، مبالغه

- ۱۰۳..... مثل، مزاح، مضحکه، مطایبه
- ۱۰۴..... معما، همراهی طنز و طرح معما، معما و ریاضی
- ۱۰۵..... مهمل
- ۱۰۶..... نادره
- ۱۰۷..... نغز، نفیسه
- ۱۰۹..... نقد
- ۱۱۰..... نکته
- ۱۱۳..... وقاحت، وهن، هتاکي
- ۱۱۴..... هجو
- ۱۲۶..... هذیان، هرزه
- ۱۲۷..... هزل
- ۱۳۵..... آثار دیگر مؤلف
- ۱۳۶..... تصاویر کاریکاتور (طنز مصور) و طنز (کاریکاتور مکتوب)

به نام جمیل جمال آفرین

پیش گفتار

طنز مقوله‌ای است که در قوطی هر عطاری پیدا نمی‌شود

طنز واقعیتی است انکار ناپذیر. باشد که با چشم بصیرت، در انوار الوان آن صفا، صداقت، صلاح و فلاح را دریابیم؛ تا با نردبان ترقی طنز (حق‌گویی و حق‌خواهی) به منشاء و مبدع نور مطلق برسیم که :

الطرق الی الله بعدد النفوس خلایق^۱

راه‌های رسیدن به خدا به اندازه تعداد آدمیان، متفاوت است.

اما، چون انسان‌ها در نفرت از ضلالت و استقبال از عدالت (در طول تاریخ) فطرتاً مشترک بوده‌اند، همیشه از طنز واقعی استقبال کرده‌اند. (چرا که زبان مشترک همه اقوام و ملل بوده و هست.)

در جوامع مختلف، افراد متفاوت به فراخور حال و روزشان، طنز را با واژه‌های نزدیک خود یعنی: هجو، لهو، سهو، لغو، هزل، کنایه، ابهام، لطیفه، ابهام، شوخی،

۱ - مجله‌ی دانشکده ادبیات فارسی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، به نقل از مقاله ردپای پندارهای

اشاره، ضرب‌المثل، فایده، مَثَل، حکایت، طعن، لعن و سخره و ... اشتباه گرفته‌اند. با وجود این که در مواقع مختلف هر یک از موارد فوق ممکن است طنز را یاری کنند و استحکام ببخشند و طنز وام‌دار هر یک از آنها باشد و در لباس آنها ظاهر شود، اما باید گفت: طنز از جنس تام و تمام آنها نیست. مخصوصاً کلمه وارداتی جُک (Jock) که باعث تفرقه بین ملل و اقوام شده و استعمار نیز از ورود آن شاید نیت خیر نداشته است یا حداقل می‌توانیم بگوییم آن روی سکه را ترویج کرده که مخرب وحدت است.

از این رو در بخش چهارم کتاب (جوهر طنز) واژه‌های قریب‌المعانی با طنز، که با آن معاونت و همراهی دارند و واژه‌هایی که ساحت مقدس طنز پردازی (که شاخه‌ای از امر به معروف و نهی از منکر است) را لکه دار نموده‌اند، تقدیم به خوانندگان محترم می‌شود* (تا چه قبول افتد و چه در نظر آید)

البته ناگفته نماند که شخص و نحوه استفاده نیز حائز اهمیت است، چه بسیارند که قادر به ارائه رسالت طنز نباشند حتی با واژه‌های همسو و همراه طنز و چه بسا افرادی که از واژه‌های مخالف نیز بتوانند استفاده شایسته‌ای داشته باشند (البته که این مورد قانون کلی نیست و قطعیتی ندارد). اما آنچه که در اذهان عوام طنز را بد نموده است، ثمرات ناروای کسانی است که قادر نبوده‌اند طنز را در جای خود چون نگینی بر انگشتر شعر و ادب بنشانند و از لابه‌لای بسیاری خرمهره‌های مشابه، آن دُرّ کمیاب را شناسایی کنند و مورد بهره برداری قرار دهند. (وَالَا مِنْ مَعْتَدَمٍ: مردم فطرتاً طنز را چون شعر (و هم از آن نظر که باعث بیداری جامعه شده و دست چپاولگران را بیش از پیش کوتاه

می‌کند.) دوست دارند و اشعار طنز را فراتر از هر دو (شعر و طنز) دوست می‌دارند.)

سنگین نمی‌شد این همه خواب ستمگران

می‌شد گر از شکستن دلها صاف

(صائب تبریزی)

چرا که وقتی مردم از نابرابری و تباهی رنج می‌برند و فساد بر آنها تحمیل شده و قدرت فریاد ندارند و بغض گلویشان را می‌فشارد، متوجه می‌شوند هستند کسانی که آنها را بفهمند و درد دل آنها را بگویند، احساس راحتی می‌کنند. هر چند که این جهان جای تن‌آسایی نیست.

یک تن آسوده دیده‌ام به جهان آن‌هم آسوده‌اش تخلّص بود

(خیام)

هر چند که شاید مسئولینی خدای ناکرده حجاب بر سر کشیده و پنبه در گوش کرده باشند، که ندای مظلومان را نشوند. اما همه‌ی مظلومان تاریخ درد مشترک دارند چون خداخواهی، زیبایی طلبی، نوع دوستی، عدالت‌خواهی و از طرفی مبارزه با نامردمی‌های زمامداران، خواسته‌ی فطری بشر است و خداوند نیز این رسالت را بر دوش، مصلحین و مخصوصاً شاعرانی راستین نهاده است.^۲

پس اگر کسی پنجره‌ای از حقایق را به روی آنها بگشاید و درد دل آنها و آرزوهایشان را نیز تصویر کند، با او احساس همدلی کرده و دوستش می‌دارند و بهترین خدمت است به صاحبان قدرت که با حفظ آبرو و موقعیت بیدار شوند و زنگاره‌های خود را بشویند.

خون گریه می کند زخم، از درد بی دوایی

ترکیده بغض دردم، از درد بی نوایی

غم می چکد ز چشمم، از جور بی خدایان

فریاد من شد آهی، یارب رسان صدایی

*ش، ۱۳۷۹

و اما اگر کسی احساس مسئولیت کرد و بلاها را به جان خرید و جان ناقابل خویش را چون پیامبران الهی (ص) و ائمه معصومین (ع) سپر آماج طعن و لعن یاوه گویان کرد، باید بداند برای همیشه در قلب صالحان جامعه جاوید و پا برجا بوده و انوار پاکش در طول زمان ساری و جاری است.

تو پاک باش و مدار ای برادر از کس باک

به یاد دار که این پندم از پدر یاد است

(سعدی)

تو کز محنت دیگران بی غمی

نشاید که نامت نهند آدمی

(سعدی)

و دسته دیگر شاعرانی راستین مقبول هستند، که اشعارشان هدایتگر، ظلم ستیز و عدالت خواهانه و دارای منافع مادی یا معنوی (دنیوی یا اخروی) است.

چراکه، شاعران، زنگ خطر و وجدان بیدار جامعه خویشند.^۲

این شاعران هم و غمشان به دنبال انجام رسالت خویش بوده و چشم‌داشتی به صیله و رشوه ستمگران و پادشاهان ندارند و اگر با بیان طنز بگوییم: زبان خود را اجاره نمی‌دهند.

چنانچه پسر مسعود سعد سلمان، سعادت، فرموده است:

نشوم خاضع عدو هرگز گرچه بر آسمان کند مسکن

می‌توان گفت: هنرمندان راستین و این طبقه از شاعران آینه‌ای هستند که با فطرت پاک خود از خورشید لایزال حضرت حق و آن فیاض مطلق کسب نور می‌کنند و آینه‌وار نور را به جامعه انعکاس می‌دهند.

از آنجا که اشخاصی متفاوت با همگان، خصوصاً بعضی از ارباب قدرت، درک چنین اشعاری را ندارند، این شاعران اکثراً مورد بی‌مهری، کم‌لطفی، قهر و غضب صاحبان زر و زور و تزویر قرار می‌گیرند و حداقل در زمان حیاتشان دشمنان بیشماری دارند و یا جایگاهی در طبقه متمول ندارند.

چنانچه حکیم سنایی در زمان خود فرموده است:

دولت اکنون ز امن و عدل جداست

هر که ظالم‌تر است مُلک او راست

به هر حال، طنزپردازان هر دوره و زمانه سهم بسزایی در آگاهی ملت خویش داشته‌اند.

شاید فقط زبان طنز و کوتاه‌ترین راه، شعر طنز باشد، که می‌تواند به جامعه بگوید که به اشتباه نیفتند، مانند: عبیدزاکانی که هشدار می‌داد فریب دیندار شدن گربه (مبارزالدین محمد مظفر) را نخورید که این دینداری،

پوششی بیش نیست. (می‌خواهم بگویم دلیل اعتبار طنز به آن است که تاریخ هر روزه تکرار می‌شود و ملت باید همیشه هوشیار باشند.)
و اما عبید زاکانی با بهره‌گیری از شعر، نظم، ضرب المثل، بدایع، صنایع لفظی و معنوی هدفش اصلاح است، نه تخریب. او از کسانی که در لباس زهد ریایی و لیاقت‌کذایی و ریاست‌نمایی به کمین خلاق نشسته‌اند، پرده برمی‌دارد.

فلک به مردم نادان دهد زمام مراد

تو اهل دانش و فضلی، همین گناهت بس
(حافظ)

پس: «طنز از پشت پرده‌های رنگارنگ، شعر، شوخی، ضرب‌المثل، معانی، بیان، بدیع، صنایع لفظی و معنوی، تیراندازی کردن است»
(دکتر حسین بهزادی اندوهجردی)

در مجموع می‌توان گفت: طنز آتشی است بر خرمن بیداد، ارتشا، فحشا و فساد، ریا، سالوس و زهد فروشی و وسیله‌ای است در فراهم آوردن زمینه‌ی عدالت اجتماعی که نمونه‌ی بارز آن در داستان (موش و گربه) عبید زاکانی شاهد بوده‌ایم، که پرده و نقاب از چهره زهدفروشان چون سلطان محمد مظفر (مبارزالدین) می‌افکند و گاهی در کاهش عصبانیت و خستگی و ایجاد سرور، طنزهایی ارائه شده که از شیرینی خاص برخوردار است. به عبارتی دیگر: طنز آبی است بر آتش نفاق، دورویی، مصلحت‌اندیشی، کج‌فهمی و بی‌عدالتی‌های اجتماعی، چنانچه حکیم سخن، سنایی فرموده است:

«سر متاب از طریق تا نشوی هدف تیر و طعنه‌ی طنّاز»

و دیگری نیز فرموده است:

ای خواجه مکن تا بتوانی طلب علم

کاندر طلب راتب هر روزه بمانی

رو مسخرگی پیشه‌کن و مطربی آموز

تا داد خود از کِهتر و مهتر بستانی

(انوری)

پس می‌توان گفت: طنزپرداز بر خلاف تصوّر عامّه، از جدّی‌ترین و باریک بین‌ترین افراد است و بیشتر به لایه‌های زیرین جامعه می‌پردازد تا به لایه‌های بیرونی و بیشتر به ریشه می‌پردازد تا به شاخه و شاید در پی کشف حقایقی است راهگشا، و شاید در ضمیر باطن خویش فریاد می‌زند:

دیده‌ای خواهم سبب سوراخ کن

تا حُجَب را برکنند از بیخ و بن

با نمونه‌هایی که ذکر شد در می‌یابیم: «طنز تعبیه‌ای است هنرمندانه، که در وجود انسان اشک را به لبخند تبدیل می‌کند و درد را به شادی، با این تعبیه ظریف است که طنزپردازان توانسته‌اند حتّی در نامساعدترین احوال، آنچه را در دل دارند بیان کنند. در عین حال کسانی را نیز که افشاگری متوجه آنان است، زیاد نرنجانند و به خشونت و خیره‌سری بیشتر وا ندارند).^۴

فروید می‌گوید: «شوخی، طنز رسیده‌ای است برای اظهار مقاصد خبری، که نه دیگران را ناخوش آید و نه [طرف مربوطه] را ناگزیر از مخالفت سازد.»^۵

فصل اوّل

مروری بر تاریخچه‌ی طنز و طنزپردازی

شایسته است که: قبل از هرگونه گفتار و نوشتار نیم‌نگاهی به گذشته‌ی ارزنده‌ی طنز، طنّازی و طنزپردازی داشته باشیم. بنا بر تعاریف وارده «طنز کلامی است گزنده و تند و تیز و صریح، که در لباس ادب آورده می‌شود.»

طنز گاهی در بزرگ‌نمایی ضعف‌ها و بی‌رسمی و نامردمی‌ها داد سخن درمی‌دهد که از غلّو، اغراق، مجامله و ... کمک می‌گیرد و گاهی در تحقیر شخصی از سُخره و استهزاء و ... در جهت تأدیب خاطیان. بنابر این می‌توان گفت:

طنز وسیله‌ای است که با کمک بخش عظیمی از صناعات ادبی می‌تواند تکامل بخش، راه‌گشا، سازنده و تصحیح کننده‌ی زندگی شرافتمندانه باشد.

طنز می‌تواند در هر ظرفی مظلوفی مناسب باشد. در قالب انواع نشر و نظم خود را می‌نماید. طنزپردازان، چه بسا که کتاب‌ها نوشته و شعرها سروده‌اند تا حقّی را به حق‌داری برسانند و بساط ظلمی را برچینند. با زبان شوخی، خنده و

فکاهی گره‌هایی کور را گشوده‌اند و جوانمردانه، ظالم‌کشی و ستم‌سوزی را در اختناق محض ستوده‌اند. چرا که خود از مبارزان بوده‌اند و در این میدانِ سبقت، گوی و گوهر را ربوده‌اند. سختی‌ها کشیده و جانبازی‌ها نموده‌اند تا بتوانند با نیش طنز خاطیان را ادب کنند؛ و آثار ماندگاری را از خود به یادگار بگذارند.

سفلگان را نزند چرخ چو نیکان بر سنگ

محک سیم و زر از بهر مس و آهن نیست

(صائب تبریزی)

طنز: به عقیده یکی از جامعه‌شناسان ایرانی، عبارت است از: خنده‌ناک سخن گفتن از آنچه غمناک است.^۶ و طبق نظر فروید، ممکن است، طنز صرفاً برای خنده و تفریح باشد.

جدا از اینکه طنز در ادبیات از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، در مذهب ما نیز مزاح و مطایبه از جمله سخنی پسندیده به شمار می‌رود. همچنین بر لب داشتن تبسم سنتی بوده است پسندیده، چنانکه:

«جریره بن عبدالله (از بزرگان عرب) گفته‌است: هرگز با رسول گرامی

اسلام (ص) ملاقات نکردم، الا اینکه تبسمی بر لب داشتند.»

بذله: که گویی از قدیم نیز نشانه هوش و ذکاوت بوده است. چنانکه نظامی عروضی در چهار مقاله در این باب می‌گوید: «شاعر باید که در مجلس محاورت خوشگوی مجلس معاشرت خوشروی باشد.»

باغ خندان ز گل خندان است

دل شود رنجه ز جدّ شام و صبح

خنده آیین خردمندان است

کن تو اصلاح مزاجش به مزاح

(عبدالرحمن جامی)

اصولاً ایرانیان به واسطه‌ی لطیفه ساختن، ظریفه پرداختن، خرده گرفتن موشکافانه، نکته سنجی‌های زیرکانه، پوشیده تاختن و رندانه دست انداختن، از پشت پرده‌های رنگارنگ شعر، شوخی، ضرب المثل، معانی، بیان، بدیع، صنایع لفظی و معنوی، روحی زیبا، زاینده و سرشار از لطافت یافته‌اند. در ادبیات فارسی طنزهایی در قالب نظم و نثر در دست است و صرفاً در سال‌های اخیر و پس از رواج و توسعه‌ی رمان‌نویسی است که داستان‌های بلند طنز خلق شدند، مانند آثار طنزنویسانی چون دهخدا، ایرج پزشک‌زاد، ابوالقاسم حالت، خسرو شاهانی، عباس پهلوان، جواهری وجدی، عباس فرات، عباس توفیق، گویا، غلامرضا روحانی و برخی از آثار صادق هدایت و کیومرث صابری و ...

نخستین مجموعه‌ی طنزآمیزی که در اختیار داریم کتابی است که در قرن پنجم توسط احمد موصلی به رشته‌ی تحریر درآمده است. شیخ مصلح‌الدین سعدی شیرازی نیز خبیثات، هزلیات و هجویاتی در تأدیب جامعه‌ی خود داشته است. قرن‌ها بعد زمانی که طنزنویسی به صورت یک فن درآمد، کتاب‌های مستقلی پدید آمدند که از نمونه‌های آن آثار و لطایف عبید زاکانی، جامی و قطب‌الدین را می‌توان نام برد.

ظاهراً نخستین کتاب مستقلی که درباره‌ی طنز و شوخی نوشته شده از آن عبید زاکانی بوده است، شاعر طنزپردازی که به عقیده‌ی مهندس گنج‌ای در این فن، در منزلت بالاتری از کسانی چون «مارک تواین» قرار دارد. طنزنویسی و لطیفه‌پردازی در ادبیات فارسی نیز همچون دیگر ملل جهان، به یک طبقه و یک صنف مشخص اختصاص نداشته و ندارد. در توضیح این دعوی، متذکر می‌شوم که در میان آثار شاعران و نویسندگانی که به موضوع طنز پرداختند، گاه به نوشته‌هایی از بزرگان حتی پادشاهان برمی‌خوریم، که در آنها مطالبی به شیوه‌ی طنز به رشته‌ی تحریر در آمده است و بیانگر این واقعیت است که علاقه و توجه ایرانیان به مقوله‌ی طنز در طول تاریخ گرانقدر و پرافتخار این سرزمین، فوق العاده چشمگیر است.

یادآور می‌شوم که طنزگویان و طنزپردازان، از گذشته دور تاکنون دریچه‌ی اطمینان و باور نزد مردم زمان خویش بوده‌اند. از سویی وجود حکومت‌ها و استقرار دولت‌های استبدادی در ایران چون چنگیز و امیر تیمور و شرایط اختناق و خفقان نیز از عوامل و عناصر بسیار مهم در رونق بازار طنزگویی در ایران بوده است. زیرا تنها کسانی که در چنین وضعیتی در عرصه‌ی سخن‌گویی و سخنوری قدرتمند نمودند، از سویی روحانیون بودند که نفوذ قابل توجهی در بین مردم داشتند و از سویی طنزگویان و دلک‌ها بودند که چون توانایی بازگویی آزادانه‌ی حقایق نداشتند، تلاش می‌کردند در قالب طنز و شوخی انتقادات خود را منعکس نمایند. برای نمونه در دوران حکومت ناصرالدین شاه که مردم بر اثر آشنایی با تمدن اروپایی هوشیار شده و مطالب، هرج و مرج و بی‌بندو باری‌ها را نظاره‌گر بودند، تمام انتقادات و نارضایتی‌های خویش را به

صورت طنز یا خوابنامه بیان می‌داشتند، بطوری که حدوداً بیست تا سی جلد کتاب طنزآمیز از آن دوران در دست داریم، که از مهمترین آنها می‌توان به تذکره‌ی مجدیه از مجدالملک سینکی (جدّ دکتر علی امینی) و خوابنامه‌ی محمد قاسم خان برادرزاده‌ی فتحعلی‌خان صبا اشاره نمود.

لازم به ذکر است که حاضر جوابی (Repartee) نیز از اقسام طنز و مطایبه به شمار می‌رود، که در این جا بر حسب ضرورت اشاره‌ی مختصری به آن می‌نماییم. طنزپردازانی که به نحوی در دربارها حضور داشتند، گاه در پاسخ پادشاهان و بزرگان با حاضر جوابی‌های مضحک، موجبات تنبیه و سرزنش را فراهم می‌نمودند. ولی گاه همین طعن و کنایه‌ها و به مسخره‌گرفتن‌ها بود که سبب می‌شد خود یا دیگران را از مرگ حتمی برهانند. نمونه‌ی این افراد، خردمندان مجنون‌نمایی بودند چون: کریم شیرهای در دربار ناصرالدین شاه و طلحک یا تلخک (دلچک) در دربار سلطان محمود غزنوی و یا بهلول در نزدیکی با هارون الرشید.

آنچه مستلزم دقت و توجه فراوان در این ارزیابی است، طنزپردازی‌هایی است که گاه تا مرحله‌ی دشنام و ناسزا پیش‌رفته و متأسفانه به ابتذال کشیده شده و دامن ادبیات فارسی را لکه‌دار نموده است.

اما خوشبختانه طنزپردازان کنونی ما طنز را از هجو، هزل، قبح و فحش و ... جدا نموده و در این زمینه پیشرفت قابل توجهی نیز داشته‌اند. اکنون گریزی می‌زنیم به ارزیابی وضعیتی که طنز و طنزپردازی در دوران معاصر پیموده است؛ که می‌توانیم در دو مرحله مشخص آن را مطالعه نماییم.

دوره اول: قبل از مشروطیت که روزنامه و مجله کمتر وجود داشته است.

این دوره شامل مطایبات شاعران و طنزهای مخصوص دلک‌های درباری می‌شود که اشاره‌ای کوتاه به آن شد.

دوره دوم: سال‌های پس از مشروطیت است که روزنامه رونقی گرفت و طنزنویسی به صورت همگانی‌تری در آمد. یکی از نشریاتی که بعد از انقلاب مشروطه در ایران به راه افتاد **نشریه‌ی آذربایجان** بود که به‌طور هفتگی چاپ می‌شد و مجموعاً بیست‌شماره از آن انتشار یافت. استاد محیط طباطبایی در تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران می‌نویسد: آذربایجان تنها روزنامه‌ای است که اقتباس از بخش کاریکاتور و فکاهی را از روزنامه‌ی ملا نصرالدین ترکی به مطبوعات ایران آورد.

نسبت دیگری که آذربایجان (به شیوه روزنامه‌ی ملانصرالدین) از آن استفاده کرد، ساخت یک کاراکتر به نام **حاجی بابا** بود. **نشریه‌ی ملانصرالدین**، شخصیتی تصویری به نام ملانصرالدین داشت و آذربایجان حاجی بابا را ساخت که این نسبت بعدها توسط نشریات طنز و فکاهی ادامه یافت و تاکنون هم ادامه دارد. در این رهگذر بجاست اگر اشاره‌ای به روزنامه ملانصرالدین داشته باشیم که در قفقاز منتشر می‌شد و همزمان با آن از دو طنزنویس، شاعر و گرداننده ملانصرالدین (آقایان صابر طاهرزاده و شیروانی) که تأثیر فراوان و به سزایی در طنزنویسی ایران داشتند یاد می‌کنیم.

ارتباط نزدیکی که در آن دوران بین ایران و قفقاز بود سبب می‌شد ملانصرالدین بیش از پیش در منطقه‌ی آذربایجان و بین مردم نفوذ پیدا کند. مقارن با آن **روزنامه صوراسرافیل**، که روزنامه‌ای جدی نبود، در ایران منتشر

می‌شد، که تنها یک قسمت شوخی به نام چرند و پرند داشت و نویسنده این قسمت کسی جز علامه علی اکبر دهخدا نبود. دهخدا یکی از نمایندگان فرهنگ معاصر ایران است. او محقق، نویسنده، طنزپرداز و شاعری توانا، طنزنویسی انسان‌دوست، روزنامه‌نگاری متعهد و آگاه، پژوهنده‌ای ژرف اندیش، محقق‌ی سخت‌کوش و فروتن، آزادمردی صادق و صمیمی بود؛ که با خلق آثاری در زمینه‌ی طنز سیاسی و اجتماعی و وارد کردن عامل لحن در قصه‌نویسی فارسی، به نوآوری پرداخت. دهخدا با نوشتن سلسله مقاله‌های چرند و پرند در روزنامه‌ی صوراسرافیل، نخستین پایه‌گذار ساده‌نویسی در ایران به شمار می‌رود، که کار او را بعدها سید محمد علی جمال زاده «در یکی بود و یکی نبود» و صادق هدایت در مجموعه‌ی قصه‌هایش به کمال رسانیدند. خلاصه‌ی کلام، صور اسرافیل برای زمان کوتاهی در ایران منتشر گردید و پس از تعطیلی نیز چند شماره‌ای از آن در سوئیس به چاپ رسید. شروع جنگ جهانی اول سبب شد که از رونق بازار روزنامه خصوصاً طنزپردازی تا حدودی کاسته شود. پس از جنگ در دوران جایگزینی یعنی آرامش بود که ابتدا در آذربایجان چند روزنامه‌ی فکاهی و همزمان در تهران روزنامه‌ی «ناهید» از میرزا ابوالقاسم ناهید شروع به کار نمود. با شروع جنگ جهانی دوم و ورود متفقین به ایران روزنامه رونقی دوباره یافت و در همین دوران «بابا شمل» با سرمایه‌ی مهندس رضا گنجه‌ای ایجاد گردید. بابا شمل روزنامه‌ی فکاهی-سیاسی با نفوذ کم‌نظیری بود؛ و روی هم رفته ۱۵۰ شماره منتشر شد. زبان شوخ و در عین حال نجیب بابا شمل، خالی از رکاکت و ابتذال، در جریان تند وقایع سیاسی ایران بعد از سال‌های ۱۳۲۰، عامل مؤثری در انعکاس افکار روشنفکری و سدی

بسیار محکم در مقابل نفوذ خارجی‌ها بود. روزنامه‌هایی چون «بهبول»، «کشکول»، «امید» و «فکاهی توفیق» و «کاریکاتور» نیز، در این دوران در کنار چاپ دیگر روزنامه‌ها، به سبک طنزنویسی یا به قولی فکاهی نویسی منتشر می‌شدند، که تنها به ذکر عنوان آنها بسنده می‌کنم.

در پایان به راستی کم لطفی خواهد بود که نگاهی هر چند کوتاه به طنز کیومرث صابری ننموده باشیم. صابری هنگامی به میدان آمد که جنگ و بمباران بود. صابری قصد طنز و شوخی نداشت، برای همدردی به میدان آمده بود. مگر نه این است که روح طنز باید روح همدردی باشد. احمد رضا احمدی معتقد است، در طنز صابری، جهانی محتوم و بی‌اغماض، بر انسان پيله‌ای بافته است که صابری می‌خواهد انسان را از این پيله رها کند. صابری خواننده را از انزوا بیرون می‌آورد و به مهمانی (به قول خودش) آبدارخانه می‌برد که تو تنها نیستی. مگر یکی از خواص طنز درخشان، زدودن انزوای انسانی نیست؟ طنز صابری را در واقع می‌توان تفسیر نمود به طنزی که همیشه دورانی از حقیقت را در ذهن تداعی کرده است.

در یک نگاه کلی و با در نظر گرفتن دست‌آوردهای مطبوعاتی، ما در این سال‌ها، اذعان می‌کنیم که با پیشرفت و توسعه‌ی صنعت چاپ در ایران، طنز نیز در کنار دیگر انواع ادبی در جریان فعالیت‌های پویا و سازنده‌ای چون روزنامه، مجلات و کتاب‌های مختلف ادبی توسعه یافت. ما امروزه در عرصه‌ی پرشتاب و حرکت آفرین فعالیت‌های مطبوعاتی به آثار شایسته‌ای در حیطه‌ی طنز بر می‌خوریم که در جهت تهذیب اخلاق انسانی و اصلاح مفاسد اجتماعی به چاپ می‌رسند.*

از جمله در کتابی که هم اکنون پیش روی نگارنده می‌باشد، (شعر طنز امروز ایران «چاپ اول، ۱۳۷۹» که با سعی و اهتمام سید ابراهیم نبوی و شهرام شکیب‌گردآوری شده) نام برخی از شاعران طنزپرداز را در فهرست این کتاب مشاهده می‌کنم، از جمله: مهدی اخوان ثالث، ابوالقاسم حالت، بهاء الدین خرمشاهی، ابوالفضل زرویی نصرآباد، عمران صلاحی، سید ابراهیم نبوی، علیرضا قزوه، رحیم رسولی، محمدسعید میرزایی، حاج حسن شعبانی، سهیل محمودی، نادرختایی، همایون حسینیان و ...

منابع و مآخذ:

نمونه‌های طنز معاصر (گردآورنده جواهری وجدی، مؤسسه‌ی مطبوعاتی عطایی)
هزار نکته باریکتر از مو اینجاست (محمد مستجیر، مؤسسه‌ی انتشاراتی نوین)
طنزآوران امروز ایران (عمران صلاحی، انتشارات مرواید)
انواع ادبی (دکتر سیروس شمیسا، انتشارات فردوسی)
ماهنامه‌ی اسفندماه ۱۳۷۷، گل آقا

*همچنین با تشکر از فرزند عزیزم سرکار خانم منیژه بهروانی، (دانشجوی رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار) که مطالبی ارزنده از این مقاله را با عنوان (مروری بر تاریخچه طنز و طنزپردازی در ادبیات فارسی) در اولین همایش طنز،^۱ (۱۳۷۹) که در استان سمنان و با همّت اداره ارشاد اسلامی در گرمسار برگزار شد) به اینجانب هدیه فرمودند. امید است هر کجا که هستند موفق و مؤید باشند.

۱- کاش همایش‌های طنز بیشتر برگزار می‌شد و ادامه می‌داشت، تا این مهم نیز به نتایج مطلوب‌تری می‌رسید و معنی و حدود رسالت این واژه برای اهل ادب و طالبان آن بیش از پیش روشن می‌شد.
(مؤلف)

فصل دوم

طنز در قرآن کریم

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ...^۱

ای کسانی که (به زبان) ایمان آورده‌اید (به حقیقت) هم ایمان بیاورید به خدا و رسول او و...

«طنز آموزنده، طنزی است که در آن [لطافت] و حکمت به هم در آمیخته و مشتمل بر معجونی از نیش و نوش به منظور اصلاح و هدایت باشد. نمونه‌هایی از طنزهای قرآن به این قرار است: تشبیه صدای بلند به عرعر خر، تشبیه رفتار بلعم باعورا به پارس سگ و ... در این مقاله نکات پیش گفته به تفصیل آمده است.

کلید واژه‌ها: طنز، مثل، کنایه، تشبیه، استعاره، ریشخند.

[که در تعاریف هریک از واژه‌های ذکرشده در فصول بعدی به تفصیل خواهد

آمد.]

[در مقدمه می‌توان گفت:] عده‌ای بر این باورند که طنز در قرآن فراوان به

کار رفته است؛ زیرا طنز نوعی استعاره و کنایه است و در سرتاسر قرآن استعاره

و کنایه و تشبیه و تمثیل به چشم می‌خورد. استعاره‌های قرآن از ظرافت و لطافت ویژه‌ای برخوردار است.

این مهم (نیز) یکی از موجبات اعجاز قرآن تلقی شده است. در مقابل، عده‌ای دیگر طنز در قرآن را انکار می‌کنند و تمثیلات قرآن را مقوله‌ای متفاوت از طنز می‌دانند؛ اما نگارنده دیدگاه نخست را ترجیح می‌دهد.

اما برای روشن شدن ذهن خوانندگان محترم مقاله حاضر برگرفته از فصلنامه‌ی قرآن و عترت «سنا» و البته به: واحدهای منطقه ۸ دانشگاه آزاد اسلامی، شماره یک عیناً درج می‌شود.

مفهوم طنز:

مفهومی که در این نوشتار از طنز ارایه می‌شود، هر بیان و رفتاری است که به ظاهر غیر جدی (و به صورتی لطیف و همراه با مزاح) ولی درواقع بیانگر واقعیتی جدی است.

هدف از این طنز: توجه دادن به معایب و مفاصد [انسان و جامعه] و مبارزه با رذایل و رشد فضایل است.

اقسام طنز:

طنز را از جهتی می‌توان به دو قسم تقسیم نمود: تفسیری و تمثیلی.

طنز تفسیری :

طنزی که در آن وقایع و حوادث به طور مستقیم و صریح، البته با بیان زیبا و شیرین و جذاب آورده شده است، طنز تفسیری خوانده می‌شود. در این گونه از طنز، طنز پرداز سعی می‌کند حقایق تلخ و ناراحت کننده‌ای را به صورت دلنشین بیان کند، تا مخاطب به آن حقایق بیشتر توجه پیدا کند. این نوع طنز